



مجموعه
روایات
مفکوی

کتابخانه امام علی (ع)

علیه السلام

علیه السلام

«چهل حدیث»

از حسین
قا
مهدی (ع)

اهدایی ستاد عاشورائیان فجر آفرین
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

از حسین تا مهدی (ع) / تدوین واحد پژوهش و تحقیق مؤسسه
فرهنگی موعود. - تهران: موعود عصر (عج)، ۱۳۸۳.

ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۶۹۶۸-۵۴-۷

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

عنوان دیگر: از حسین تا مهدی (ع) (چهل حدیث).

بالای عنوان: چهل حدیث.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - احادیث.

۲. حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق. - کلمات قصار. ۳.

اربعینات - قرن ۱۴. الف مؤسسه فرهنگی موعود عصر (عج). ب.

عنوان از حسین تا مهدی (ع) (چهل حدیث).

۲۹۷ / ۹۵۹

BP ۵۱ / الف ۴۵

م ۸۳-۱۵۰۵۳

کتابخانه ملی ایران

از حسین تا مهدی (ع) (چهل حدیث)

تدوین: واحد پژوهش مؤسسه فرهنگی موعود

ناشر: موعود عصر (عج)

از حسین (ع) تا مهدی (ع)

انتشارات موعود

ISBN: 978-964-6968-54-7

قیمت: ۱۵۰,۰۰۰ ریال



9 789646 968547

تلفن مرکز بخش: ۰۲۱-۶۶۴۵۹۳۷۴. نمابر: ۰۲۱-۶۶۴۵۹۳۴۷.

فروشگاه اینترنتی www.shop.mouood.com

نشانی: تهران، ص. پ: ۱۳۴۷-۱۴۱۵۵

شماره تلفن: ۸-۶۶۹۵۶۱۶۷

www.yaranshop.ir

سخن ناشر

از حسین تا مهدی(ع)، عنوانی دیگر از مجموعه «چهل حدیث» از میان احادیث و روایات مهدوی است که به همت «واحد پژوهش و تحقیق مؤسسه فرهنگی موعود» تألیف شده است. اثر حاضر در دو بخش تنظیم و تدوین شده است:

بخش اول فرمایشات حضرت حسین بن علی، علیه السلام درباره حضرت صاحب الزمان، علیه السلام را تقدیم خوانندگان می‌کند و بخش دوم فرمایشات و بیانات حضرت مهدی، علیه السلام درباره امام حسین(ع) را در خود جای داده است.

امید که این اثر طبع لطیف آن بزرگواران را بیاراید و به همه ما توفیق خدمت بیشتر عطا کند. ان شاء الله

نشر موعود

فهرست

۹ دیباچه
۱۷ بخش اول - مهدی حسین (ع)
۱۸ الف - توصیف حضرت مهدی (ع)
۱۸ در آرزوی خدمت به مهدی (ع)
۱۸ پیشگویی حضرت علی (ع) از امر ظهور
۲۰ توصیف مهدی (ع) از زبان امیرالمؤمنین (ع)
۲۲ سعادت جاویدان
۲۳ نل کوثر
۲۴ یادگار پیامبران
۲۵ غصب ارث در برابر دیدگان
۲۶ نور جاودان «قدر»
۲۷ صاحب الامر (ع)، عدالت گستر جهان
۲۸ روشنائی بخش هستی
۳۰ اول و آخر عدل
۳۲ ب - غیبت امام عصر (ع)
۳۲ دو غیب (ع)
۳۳ صابران عصر غیبت
۳۴ محبت اهل بیت (ع)
۳۵ ج - نشانه های ظهور
۳۵ نشانه های حتمی ظهور
۳۶ حادثه ای در کوفه
۳۶ جنگ قرقرسیا

۸ از حسین تا مهدی (ع)

۳۷	آتشی در مشرق
۳۷	نشانه‌هایی برای مؤمنان
۳۸	تسکین بخش دل حسین (ع)
۴۱	کشتار بنی امیه
۴۲	انتقام از ستمکاران و بسط عدل
۴۳	سخت‌گیری بر ستم‌پیشگان
۴۴	مدت جنگهای حضرت مهدی (ع)
۴۵	د. ظهور صاحب‌الامر (ع)
۴۵	قطعی بودن ظهور
۴۵	عاشورا روز ظهور
۴۶	ظهور در چهره جوانی رشید
۴۶	ظهور با شمشیر
۴۷	سامان یک شبه همه امور
۴۸	همه خیرها در زمان مهدی (ع)
۴۹	بی‌نیازی مردم در عصر او
۴۹	مدت حکومت او
۵۱	بخش دوم - حسین مهدی (ع)
۵۲	راز نهفته کهیصص
۵۵	شرافت خاک پای سیدالشهداء (ع)
۵۷	درمان با تربت امام حسین (ع)
۵۸	اولین رجعت کننده
۵۹	رجعت سیدالشهداء (ع) به همراه یاران
۵۹	پازگشتی برای انتقام
۶۰	غسل و دفن حضرت مهدی (ع)
۶۱	حسن ختام
۶۲	همراهی در خونخواهی
۶۲	نیل به مقام محمود

دیاچه

گزیده‌ای از زیارت ناحیه مقدسه

... سلام بر حسین کسی که به خونش جانش را
ارزانی داشت.^۱ سلام بر کسی که در پنهان و آشکارش
خداوند را فرمان برد. سلام بر کسی که خداوند
در خاکش شفا را قرار داد. سلام بر کسی که اجابت دعا
در زیر گنبدش می باشد. سلام بر کسی که امامان از
فرزندان و ذریه اش هستند.

سلام بر آغشته به خون. سلام بر [کسی که]
خیمه [اش] دریده شد. سلام بر پنجمین اهل کساء.
سلام بر غریب غریبان، سلام بر شهید شهیدان. سلام
بر کشته [به دست] پسرخواندگان مشکوک تبار. سلام
بر سکونت یافته کربلا. سلام بر کسی که فرشتگان
آسمان بر او گریستند. سلام بر کسی که فرزندان
پاک شدگانند.

سلام بر یعسوب^۲ و امیر آیین. سلام بر محل
فرود آمدن برهانهها. سلام بر امامان سرور. سلام بر
(گریبانها) قلبها و سینه های به خون آمیخته. سلام بر

۱. عبارات همگی از ناحیه مقدس مبارک حضرت مهدی (ع) صادر شده اند.

۲. یعسوب: ملکه و امیر زبوران که دیگر زبوران به گرد او می گردند.

لبهای پژمردهٔ شکننده [از تشنگی]. سلام بر جان‌های از بیخ و بن بریده. سلام بر روح‌های به پنهانی ربوده شده، سلام بر پیکرهای عریان. سلام بر جسم‌های لاغرِ رنگ باخته. سلام بر خون‌های جاری شده. سلام بر عضوهای بریده شده. سلام بر سرهای برافراشته گشته. سلام بر زنان سربرهنه گردیده.

سلام بر حجت و گواد پروردگار جهانیان. سلام بر تو و بر پدران پاکیزه‌ات. سلام بر تو و بر پسران شهادت‌طلبیت. سلام بر تو و بر فرزندان و ذریهٔ یاری کنندگان‌ات. سلام بر تو و بر فرشتگان ملازم و همراه آرامگاهت. سلام بر کشته شده مظلوم. سلام بر برادر مسمومش. سلام بر علی بزرگ. سلام بر شیرخوار کوچک.

سلام بر بدن‌های غارت‌شده. سلام بر عترت و خاندان نزدیک و خویشاوند. سلام بر مجادله کنندگان در بیابان‌های پهناور. سلام بر دورافتادگان از سرزمین [خویش]. سلام بر دفن‌شدگان بدون کفن. سلام بر سرهای جدا شده از بدن‌ها. سلام بر حساب کننده شکیبیا. سلام بر ظلم شدهٔ بدون یاور. سلام بر سکنا گزیده در خاک پاکیزه. سلام بر صاحب گنبد بلند مرتبه. سلام بر کسی که خداوند با جلالت پاکیزه‌اش فرموده. سلام بر کسی که جبرئیل بدو مباحثات کرده. سلام بر کسی که میکائیل در گهواره با او سخن گفته (سرگرمش کرده). سلام بر کسی که پیمانش شکسته شد. سلام بر کسی که حرمتش گسسته گردید. سلام بر کسی که خونش به ظلم ریخته شد. سلام بر به خون زخمها غسل داده شده. سلام بر به جام‌های تیرها آب داده شده. سلام بر کسی که ستم بر او جایز شمرده

شده. سلام بر سر بریده شده در میهمانی [در کنار نهر]. سلام بر کسی که ساکنان قریه‌ها او را دفن کردند.

سلام بر کسی که شاه‌رگش بریده شده. سلام بر مدافع بدون یاور کمک کننده. سلام بر سپیدموی محاسن خضاب کرده. سلام بر گونه و رخسار خاک آلود. سلام بر بدن غارت شده برهنه. سلام بر دندانهای پیشین به هم کوبیده شده توسط چوب [خیزران]. سلام بر سر افراشته شده. سلام بر جسمهای عریان در بیابانهای پهناور که گرگان درنده آنها را می‌گزند و درندگانِ مزه‌خون و گوشت را چشیده به گردشان می‌کردند.

سلام بر تو ای آقای من و بر فرشتگان بال گشوده [که خواستار فرود] اطراف گنبد تو هستند - فرشتگان - بسیار احترام کننده به تربیت. طواف کنندگان صحن و فضاییت. وارد شوندگان بر زیارتت. سلام بر تو؛ همانا قصد تو کرده‌ام و آرزومند رستگاری نزد تو هستم.

سلام بر تو سلام آشنای به حرمت و مقامت. خالص در ولایت و دوستی‌ات. نزدیکی جوینده به خداوند به وسیله محبتت. دوری جوینده از دشمنانت. سلام کسی که قلبش به مصیبت و سختی تو زخمی و مجروح و اشکش در هنگام یاد تو ریزان است. سلام دردمند گرفته و محزون و شیدای فروتن. سلام کسی که اگر با تو در کربلا بود از تو با جانش از تیزی‌های شمشیرها نگاه می‌داشت. و باقی مانده روحش - عمرش - را برای تو در معرض مرگ می‌انداخت. و در پیش رویت کارزار می‌کرد و تو را در برابر آنانی که بر

تو هجوم آورده و شوریده بودند. یاری می‌کرد و روح و جسد و مال و فرزندش را فدای تو می‌نمود و روحش فدای روح و خانواده‌اش نگاهدار و مدافع خانواده‌ات باد.

پس اگر روزگار [ولادت] مرا به تأخیر انداخته و مقدرات مرا از یاریت دور کرده و برای کسانی که با تو کارزار کردند مبارزه نکردم و با کسانی که با تو دشمنی کردند ستیز ننمودم، پس صبح و شام برای ناله می‌کنم و به جای اشک برای خون می‌گیرم برای حسرت بر تو. و اندوه و تأسف بر آنچه تو را گرفتار کرد و شعله‌ور و در سوز و گداز تا اینکه [از] بیقراری سختی‌ها و مصیبت‌ها و غصه‌اندوهگینی [به خاطر از دست دادن فرصت‌ها] بمیرم.

شهادت می‌دهم که همانا تو نماز را بپا داشتی و زکات را پرداختی و به نیکی فرمان دادی و از بدی و ستمکاری بازداشتی و خداوند را فرمان بردی و از او سرپیچی نکردی و به او و ریسمانش چنگ آزیدی در نتیجه از او خشنود شدی و از خداوند ترسیدی و او را در نظر گرفتی و به او پاسخ گفتی و به روش او سلوک نمودی، و آشوبها را فرو نشاندی. و به سوی رشد و هدایت خواندی و راههای استواری را آشکار کردی و در [راه] خداوند آن‌گونه که شایسته‌ی جهادش بود. کارزار کردی.

و تو برای خداوند فرمانبردار بودی و برای نیابت [حضرت محمد] - صلی‌الله‌علیه‌وآله - پیروی. و برای سخن‌پدرت شنوا و به سوی [اجرای] وصیت و سفارش برادرت شتابگر کوشا، و برای پایه‌های دین بلندکننده و برای سرکشی و طغیان درهم کوبنده و بر

آشوبگران و طغیانگران سختگیر کوبنده و برای امت نصیحتگر و در لحظات مرگ ستایشگر و تسبیح کننده و بر گناهکارانِ هرزگان درگیر شونده و به حجتها و دلیلهای خداوند قیام کننده و برای اسلام و مسلمانان رحم کننده (بخشایشگر) و برای حق یاور و در هنگام بلا و گرفتاری شکیبیا و برای دین نگهبان. و از محدوده آیین دفاع کننده.

هدایت را نگاهداشتی و یاریش کردی و عدل و داد را گستردی و آن را پراکنده ساختی و آیین را یاری کردی و آشکارش ساختی. و کسی که دین را بازیچه شمردد بود باز داشتی و او را راندی و پست را از شریف بازستانی. و در حکم میان توانا و ضعیف مساوات قرار دادی و تو باران بهاری [محبت به] یتیمان و بی‌پدران بودی و بازدارندهٔ مردمان [از بدی] و عزت اسلام و گنجینه احکام و هم پیمان نیکویی، رهرو جدت و پدرت و در وصیت شبیه برادرت [هستی].

وفا کننده به امان دادنها. دوستدار خویشها [ای نیکو]. گرمهای آشکار، نماز شب گزار در تاریکیها، برپاگر روشها، بخشنده به مخلوقات [خداوند]، بزرگ پیشینیان، نیکو نسب. با حسب زیاد و فراوان، با رتبه‌های بلند، با مناقب فراوان، با سرشتهای ستوده، با موهبتهای بسیار، بردبار رشید بازگشت کننده [به سوی خدا]، سخی، دانا، شدید، پیشوای شهید، آموزشگر، انابه کننده، دوست دارندهٔ ترسان [هستی].

برای رسول - صلی الله علیه و آله - فرزند بودی و برای قرآن سند و برای امت بازو، و در فرمانبری کوشا، نگاهبان عهد و پیمان، کنارده‌گیر از راههای

گناهکاران و هرزگان، عطاکننده و بخشنده به مسکین به سختی افتاده، صاحب رکوع و سجودی‌های طولانی، کنارده‌گیر در دنیا همانند کنارده‌گیری کوچ‌کننده از آن، و نگرنده به دنیا به دیده‌ترسندگان از آن، آرزوهایت از آن (دنیا) بازداشته شده و همت و تلاشت از آرایشهایش برگرفته شده، از شادمانی‌اش به سان چشمی که بر آن چیزی بخورد و آب‌ریزان شده و بسته گردد، چشم پوشیده و اشتیاق در مورد آخرت شناخته شده و مشهور است.

تا اینکه آن هنگام که بیداد دستش را از آستین برون کرد و ستم پرده از روی اسلحه‌اش برداشت و گمراهی پیروانش را فراخواند، در حالی که تو در حرم جدت ساکن بودی و برای سمتگران دوری‌گزیر نشسته در خانه و محراب عبادتگاه، دوری‌گزیده از لذتها و شهوتها، زشتی را با قلبت و زبانت به مقدار توان و امکانت زشت می‌شمردی، سپس موقعیت چنان ایجاب کرد که پرچم انکار و مخالفت برداری و تو را بر آن داشت که با عیاشان و هرزگان کارزار کنی پس با فرزندان و خاندان و پیروان و دوستانت به راه افتادی و حقیقت را به روشنی و درست‌ی آشکار کردی، و به سوی خداوند با حکمت و پند و اندرزهای نیکو فراخواندی، و از پلیدی و طغیان و سرکشی بازداشتی و با تو با ستم و دشمنی برخورد کردند.

بخش اول

مهدی حسین علیهما السلام

الف - توصیف حضرت مهدی علیه السلام

(۱)

در آرزوی خدمت به مهدی (ع)

عن أبي عبد الله الحسين بن علي (ع)، أنه سُئِلَ: هل ولد
المُهْدِيُّ (ع)؟
قال: لا، وَلَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي.
از امام حسین (ع) پرسیدند: آیا حضرت مهدی (ع) به
دنیا آمده است؟
فرمود:

نه، و اگر زمان او را ادراک کنم، در تمام عمرم به او
خدمت خواهم کرد^۱.

(۲)

پیشگویی حضرت علی (ع) از امر ظهور

عن الرضا، عن آباءه، عن أمير المؤمنين (ع) أنه قال: التاسع من
ولدك يا حسين هو القائم بالحق، والمظهر للدين، والباسط للعدل.
قال الحسين (ع): فَقُلْتُ لَهُ: وَ إِنَّ ذَلِكَ لَكَائِنٌ؟

فقال: يا اي والذی بعث محمداً بالنبوة واصطفاه على جميع البرية؛ ولكن بعد غيبة و حيرة، لا يثبت فيها على دينه إلا المخلصون و المباشرون لروح اليقين، الذين أخذ الله ميثاقهم بولايتنا، و كتب في قلوبهم الإيمان، و أيدهم بروح منه.^١

حسين بن خالد، از امام رضا(ع)، از پدران بزرگوار خود(ع)، از امير مؤمنان(ع) نقل می کند که فرمود:
ای حسین، نهمین فرزند از نسل تو همان پادارنده حق، و پیروز گرداننده دین اسلام [بر همه ادیان] و عدالت گستر است.

امام حسین(ع) فرمود: عرض کردم، آیا به راستی این شدنی است؟
فرمود:

آری سوگند به آن خدایی که محمد(ص) را به پیامبری برانگیخت و او را بر همه آدمیان برگزید [این شدنی است]، ولی پس از غیبت و حیرتی که در آن مدت، جز خالصان و اهل یقین که خدا از آنان پیمان ولایت ما را گرفته و ایمان را در دلهایشان استوار داشته و با روحی از جانب خود یاری شان نموده، کسی بر دین خدا پایدار نمی ماند.

١ . کمال الدین. ص ٣٠٤ ح ١٦: کنز الدقائق. ج ١١. ص ٣١٩: اعلام الوری. ص ٤٠٠: بحار الأنوار. ج ٥١. ص ١١٠ ح ٢.

(۳)

توصیف مهدی (ع) از زبان امیرالمؤمنین (ع)

عن الحسين بن عليّ (ع) قال:
جاءَ رَجُلٌ إلى أميرِ المؤمنین (ع)، فقالَ لَهُ: يا أميرِ المؤمنین نَبینا
بمهدیکم هذا؟
فقالَ: إذا درج الدارجون، و قَلَّ المؤمنون، و ذهب المجلبون،
فهناک هناك.

فقال: يا امیر المؤمنین مَن الرَّجُلُ؟

فقال: من بنی هاشم، من ذروة طود العرب و بحر مغیضها إذا
وردت، و مخفر اهلها إذا اتیت، و معدن صفوتها إذا اکتدرت، لا یجبن
إذا المنايا حکمت، و لا یخور، إذا المنون اکتنت، و لا ینکل إذا الکفاة
اضطرعت، مشمر مغلوب ظفر ضرغامه حصد مخدش ذکر، سیف من
سیوف الله، رأس، قثم، نشوء رأسه فی باذخ السؤدد، و عارز مجده فی
أکرم المحتد فلا یصرفنک عن بیعته صارف عارض ینوص، إلى الفتنة
کلّ مناص، ان قال فشر قائل، و ان سکت فذو دعاير.
ثمَّ رَجَعَ إلى صِفَةِ المَهْدِيِّ (ع) فقال: اوسعکم کهنفاً، و أكثرکم علماً،
و أوصلکم رحماً، اللهم فاجعل بعثه خروجاً من الغمّة، و اجمع به شمل
الامة، فإنّ خار الله لک فاعزم و لا تنشین عنه ان وفقت له، و لا
تجوزنّ عنه ان هدیت الیه، آء و أوماً بیده إلى صدره - شوقاً إلى
رؤيته.^۱

سليمان بن بلال، از امام صادق (ع)، از امام باقر (ع)، از
امام سجّاد (ع)، از امام حسين (ع) نقل می کند که فرمود:
مردی خدمت امیرالمؤمنین (ع) آمد و عرض کرد: ای
امیر مؤمنان (ع) به ما از مهدی آل محمد (ص) خبر ده.

۱ . الغيبة لعسائی، ص ۲۱۲: بحار الأنوار، ج ۵۱: ص ۱۱۵، ح ۱۴.

حضرت (ع) فرمود:

آنگاه که روندگان بروند زمانها بگذرد و مؤمنان کمیاب شوند و فراهم آمدگان نابود شوند، در آن زمان او خواهد آمد.

عرض کرد: ای امیر مؤمنان! او از کدام قبیله است؟

فرمود:

از بنی هاشم، از قلّه بلند عرب، از جایگاه ژرف دریای آن هرگاه درآیند، از جفا دیده‌های قبیله خود هرگاه حاضر شوند و از کان زلال آن هرگاه تیره گردند.

او هیچ هراسی ندارد، آنگاه که مرگها حریصانه نابود سازند، و ناتوان نمی‌گردد آنگاه که حوادث تلخ روزگار را احاطه کند، و [ناامید و] نگران نمی‌شود آنگاه که شجاعان، [بر زمین] فرو افتند.

او کار آمد [و چالاک] چیره دست و پیروز [و سرافراز] است، شیر دروگر دشمنان و زخم افکن نام آور است.

او شمشیری از شمشیرهای خدا است، سرور [و سالار]، بخشنده [و بزرگواری] است.

اندیشه [و هوس] او [از دنیا و آخرت] رهیده و در عالیترین جایگاه سیادت [و برترین منزلت قرب خداوندی همّت گرفته و] بند آمده است. و مجد [و شرافت] ریشه‌دار او در گرانبهاترین [و کهنترین] اصالتها جا یافته است.

پس [هشدار که:] آن [شیطان از حق] برگشته مانع [راه خدا] که در هر زمانی به فتنه‌ای بر می‌خیزد [آن چنان که] اگر گوید، بدترین گوینده است و اگر خاموش شود بد آهنگ، تو را از بیعت با او منصرف نکند.

حضرت (ع) پس از این هشدار باز به توصیف مهدی (ع) پرداخته و فرمود:

پناه دهندگی او از همه فراگیرتر، علم او از همه
 فزونتر، وصلهٔ رحم او از همه بهتر و بیشتر است.
 خدایا! ظهور او را، بیرون شدن از اندوه و درد قرار ده
 و به سبب او پراکندگی امت اسلام را گردآور.
 پس [ای مرد]، اگر [در عصر غیبت او] توفیق
 [همزمانی] او را یافتی و [بدینوسیله] خدای سبحان
 خیر تو را فراهم آورد، مصمم و استوار باش و از او رو
 بر متاب و اگر به حضور او راه یافتی [به دیگری
 می‌داز و] از او مگذر.
 در اینجا حضرت (ع)، با دست، اشاره به سینهٔ خود
 نمود و فرمود: آه که چه شوقی به دیدار او دارم!

(۴)

سعادت جاویدان

سأله رجل عن الأئمة، فقال: عَدَدُ نُبِيَّائِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، تِسْعَةٌ مِنْ
 وُلْدِي، آخِرُهُمُ الْقَائِمُ، وَلَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: ابْشُرُوا ثُمَّ
 ابْشُرُوا - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - إِنَّمَا مِثْلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمِثْلِ حَدِيقَةِ أَطْعَمَ مِنْهَا فَوْجٌ
 عَامًّا ثُمَّ أَطْعَمَ مِنْهَا فَوْجٌ عَامًّا، فِي آخِرِهَا فَوْجًا يَكُونُ أَعْرَاضُهَا بَحْرًا، وَ
 أَعْمَقُهَا طَوْلًا وَفِرْعَاءً، وَ أَحْسَنُهَا حَنًّا، وَ كَيْفَ تَهْلِكُ أُمَّةٌ أَنَا أَوْلَاهَا،
 وَالْإِثْنَا عَشَرَ مِنْ بَعْدِي مِنَ السَّعْدَاءِ أَوْلِي الْأَلْبَابِ وَ الْمَسِيحُ بْنُ مَرْيَمَ
 آخِرُهَا، وَلَكِنْ يَهْلِكُ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ نَتِجَ الْهَرَجِ لَيْسُوا مِنِّي وَ لَسْتُ
 مِنْهُمْ.^۱

۱ . كفاية الأثر، ص ۲۳۰: بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۸۳، ح ۴: العوالم، ج ۱۵، ص ۲۲۵، ح ۱.

أبو یحیی نقل می‌کند: مردی از امام حسین (ع) درباره امامان پرسید، حضرت فرمود: دوازده نفرند که به شمار نقبای بنی اسرائیل می‌باشند. نه نفر آنان از فرزندان منند، آخرینشان قائم آل محمد (ص) است، به یقین از رسول خدا (ص) شنیدم می‌فرمود:

بر شما بشارت باد، بر شما بشارت باد، بر شما بشارت باد، همانا مثل اهل بیت من همچون مثل باغی است که هر سال گروهی از آن [بهره می‌گیرند و] سیر می‌شوند، تا آخرین آنان برای مردمی ظهور کند که دریای جمعیتشان از همه گسترده‌تر و [عمق وسیع‌تر فهم و ادراکشان] از همه ژرفتر و پر شاخه‌تر، و [در میوه چینی از وجود نورانی امام عصرشان] از همه خوش‌چینتر خواهند بود، [اینها همگی اهل نجات و رستگاری‌اند] چگونه هلاک می‌شوند مردمی که اولیانشان منم و آخرینشان دوازده نفر از سعادت‌مندان خردمند پس از من، و مسیح بن مریم خواهد بود؟ بله در این میان، عمده نادانان [پیرو اهل دنیا] نابود می‌شوند، آنان از من نیستند، و من هم از آنان نیستم.

(۵) نسل کوثر

عن أبي حمزة الثمالي، عن محمد الباقر، عن أبيه علي بن الحسين، عن أبيه الحسين بن علي سلام الله عليهم قال: دخلتُ على جدِّي رسولِ الله (ص) فأجلستني على فخذهِ و قال لي: إنَّ الله اختار من صلبك يا حسين تسعة أئمة، تأسعهم قائمهم، وكلهم في الفضل و المنزلة عند الله سواء.^۱

ابو حمزه ثمالی، از امام محمد باقر (ع)، از امام سجّاد (ع)، از امام حسین (ع) نقل می‌کند که فرمود:
 روزی در سنین خردسالی بر جدم رسول خدا (ص) وارد شدم، حضرت مرا بر زانوی خود نشاند، و فرمود: همانا خدای سبحان از نسل تو ای حسین، نه امام برگزیده که نهمین آنان قائم آل محمد (ص) است و همه آنان در فضیلت و منزلت [و مقام نورانیت]، نزد خدا برابرند.

(۶)

یادگار پیامبران

فِي الْقَائِمِ مِمَّا سَنَّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ (ع): سُنَّةُ مِنْ نُوحٍ، وَ سُنَّةُ مِنْ إِبْرَاهِيمَ، وَ سُنَّةُ مِنْ مُوسَى، وَ سُنَّةُ مِنْ أَيُّوبَ وَ سُنَّةُ مِنْ مُحَمَّدٍ (ص).
 فَأَمَّا مِنْ نُوحٍ: فَطُولُ الْعُمُرِ.
 وَ أَمَّا مِنْ إِبْرَاهِيمَ: فَخِفَاءُ الْوِلَادَةِ وَ إِعْتَزَالُ النَّاسِ.
 وَ أَمَّا مِنْ مُوسَى: فَالْخَوْفُ وَ الْغَيْبَةُ.
 وَ أَمَّا مِنْ عِيسَى: فَإِخْتِلَافُ النَّاسِ فِيهِ.
 وَ أَمَّا مِنْ أَيُّوبَ: فَالْفَرَجُ بَعْدَ الْبَلْوَى.
 وَ أَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ (ص): فَالْخُرُوجُ بِالسَّيْفِ.^۱
 از امام حسین (ع) روایت شده که فرمود:

در قائم ما [آل محمد (ص)] سنتهایی از پیامبران وجود دارد: سنتی از نوح، سنتی از ابراهیم، سنتی از موسی، سنتی از عیسی، سنتی از ایوب، و سنتی از محمد (ص).

۱. علم الیقین - ج ۲، ص ۷۹۳: کمال الدین - ص ۵۷۶.

اما سنتی که از نوح (ع) به ارث برده است: طول عمر است.

سنتی که از ابراهیم به ارث برده است: پنهان به دنیا آمدن و کناره گرفتن از مردم.

سنتی که از موسی (ع) به ارث برده است: ترس و غایب شدن است.

سنتی که از عیسی (ع) به ارث برده است: اختلاف مردم درباره اوست.

سنتی که از ایوب (ع) به ارث برده است: گشایش پس از گرفتاری است.

و سنتی که از [پیامبر اکرم] محمد (ص) به ارث برده است: ظهور با شمشیر است.

(۷)

غصب ارث در برابر دیدگان

عن رجل من همدان، قال: سمعت الحسين بن علي بن طالب (ع) يقول: قائم هذه الأمة هو التاسع من ولدي، وهو صاحب الغيبة، وهو الذي يقسم ميراثه وهو حي^۱.

مرحوم صدوق با سند خود از شخصی همدانی نقل می‌کند که گفت: از امام حسین (ع) شنیدم می‌فرمود:

قائم این امت، نهمین فرزند من است، دارای غیبت [صغری و کبری]، و اوست که میراث [واموال] او در حالی که زنده است تقسیم می‌شود.

۱. کمال تدبیر، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۲: ثبوت النبوة ج ۶، ص ۳۹۷، ح ۳: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳، ح ۳: معجم احادیث الائمة الهدى عليه السلام، ج ۳، ص ۱۷۹، ح ۷۰۰.

(۸)

نور جاودان «قدر»

عن أبي عبد الله (ع) قال: سمعته يقول: قال لي أبي محمد بن علي: قرأ علي بن أبي طالب (ع) «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»^۱ و عنده الحسن و الحسين عليهما السلام، فقال له الحسين (ع) يَا أَبَتَا كَأَنَّ بَيْنَا مِنْ فَيْكَ حَلَاوَةٌ؟

فقال له: يا بن رسول الله و ابني، اني أعلم فيها ما لم تعلم، انها لما نزلت بعثت الي جدك رسول الله فقراها علي ثم ضرب علي كتفي الأيمن و قال: يا أخي و وصي و والي أمتي بعدي و حرب أعدائي الي يوم يبعثون، هذه السورة لك من بعدي، و ولدك من بعدك، إن جبرئيل أخي من الملائكة حدثت الي أحداث أمتي في سنتها، و انه ليحدث ذلك اليك كأحداث النبوة، و لها نور ساطع في قلبك و قلوب أوصيائك الي مطلع فجر القائم (ع).^۲

راوی نقل می‌کند: از امام صادق (ع) شنیدم می‌فرمود: پدرم امام محمد باقر (ع) برایم نقل فرمود: که امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) در حالی که امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در محضر مبارک او بودند سوره مبارکه قدر را قرائت فرمود؛ امام حسین (ع) عرض کرد:

«پدر جان! گویا شنیدن این سوره از دهان مبارک تو شیرینی ویژه‌ای دارد؟»

پس حضرت امیر (ع) در پاسخ او فرمود:

ای فرزند رسول خدا (ص) و فرزند من! من از این سوره [خاطره‌ای] دارم که تو خبر نداری، چون این

۱ . سوره قدر (۹۸)، آیه ۱.

۲ . بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۷۰.

سوره نازل شد جدّ تو پیامبر خدا (ص) مرا به حضور طلبید و آن را بر من قرائت فرمود، سپس دست بر شانه راست من زده فرمود: ای برادر سرپرست و وصی امّتم پس از من و ستیزگر با دشمنان من تا روزی که برانگیخته شوند! این سوره، پس از من برای توست و سپس در شأن فرزندان تو، همانا برادرم جبرئیل - که برادرم در میان فرشتگان است - رویدادهای امّتم را در روشهایش برایم بازگو کرد، و او آنها را همانند حوادث نبوت برای تو بازگو می‌کند، این سوره در قلب تو و اوصیاء تو تا هنگام طلوع فجر قائم آل محمد (ص)، نوری درخشان دارد.

(۹)

عدالت‌گستر جهان

عن شعيب بن أبي حمزة، قال: دخلتُ عليّ أبي عبد الله الحسين بن عليّ (ع)، فقلتُ له: أنت صاحب هذا الأمر؟

قال (ع): لا.

فقلتُ: فولدك؟

قال (ع): لا.

فقلتُ: فولدك ولدك؟

قال (ع): لا.

فقلتُ: فمن هو؟

قال (ع): الذي يملأها عدلاً، كما ملئت جوراً، عليّ فترّة من الأئمة

تأتي، كما أنّ رسول الله (ص) بعث عليّ فترّة من الرّسل.^۱

شعیب بن ابی حمزہ گوید: بہ محضر امام حسین (ع) تشریف یافتہ، عرض کردم: [آقا جان] آیا شما صاحب الامر هستید؟

فرمود: نہ.

عرض کردم: پس فرزند شماست؟

فرمود: نہ.

عرض کردم: آیا فرزند فرزند شماست؟

فرمود: نہ.

پرسیدم: پس صاحب الامر کیست؟ فرمود:

آنکہ زمین را پر از عدل خواهد کرد همان گونه کہ پر از ظلم گشته باشد.

او پس از زمانی طولانی کہ امامان پیشین رفتہ باشند خواهد آمد همان گونه کہ رسول خدا (ع) پس از مدتی دراز کہ از زمان پیامبران پیشین گذشتہ بود مبعوث شد.

(۱۰)

روشنایی بخش هستی

عن أبي جعفر (ع) قال: قال الحارث بن عبد الله الأعور للحسين بن علي (ع): يا بن رسول الله جعلت فداك أخبرني عن قول الله في كتابه المبين: «وَالشَّمْسِ وَ ضُحًىهَا» قال: وَيُحَكُّ يَا حَارِثُ ذَلِكَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ .

قال: قلت: «وَالقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا»

قال: ذاك أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (ع)، يثلو محمداً (ع).

قال: قلت قوله: «وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّيْنَا»^۱.
 قال: ذَلِكَ الْقَائِمُ (ع) مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (ع) يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا.^۲
 امام باقر (ع) فرمود: حارث بن عبدالله اعور به امام حسین (ع) عرض کرد: ای فرزند رسول خدا (ص) - جانم به فدایت - از تفسیر این کلام خدا که: «سوگند به آفتاب و تابش هنگام بر آمدنش»، مرا آگاه فرما. حضرت (ع) فرمود: ای حارث! منظور از آفتاب، محمد (ص) پیامبر خداست.

گفت: عرض کردم: فدایت شوم «و قسم به ماه آنگاه که از پی آفتاب بر آید»؟ فرمود:
 [«مراد از «ماد»] امیرالمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) است که از پی محمد (ص) آید [و او را پیروی کند].
 گوید: عرض کردم: «و سوگند به روز هنگامی که جهان را روشن سازد»؟ فرمود:
 مراد از «روز» قائم آل محمد (ص) است که گستره زمین را پر از روشنائی عدل و داد سازد.
 گفت: و سوگند به شب وقتی که جهان را در سیاهی کشد؟
 فرمود:
 بنی امیه است.^۳

۱ . سورة شمس (۹۱)، آیه ۱.
 ۲ . تفسیر القرآت، ص ۵۶۳: بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۷۹.
 ۳ . بخش آخر به نقل از بحار الانوار است.

(١١) اول و آخر عدل

عن علی بن الحسین (ع) عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ عِنْدَهُ وَ أَبِي بِنُ كَعْبٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَرْحَبًا بِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا زَيْنَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ ... وَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَكَّبَ فِي صُلْبِ الْحَسَنِ نُطْفَةً زَكِيَّةً طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً، يَرْضَى بِهَا كُلُّ مُؤْمِنٍ تَمِنَ أَخْذَ اللَّهِ وَ عَزَّ وَ جَلَّ مِيثَاقَهُ فِي الْوَلَايَةِ وَ تَكْفُرُ بِهَا كُلُّ جَاحِدٍ، فَهُوَ إِمَامٌ تَقِيٌّ بَارٌّ مَرْضِيٌّ هَادٍ مَسْهُدِيٌّ، أَوَّلُ الْعَدْلِ وَ آخِرُهُ، يُصَدِّقُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يُصَدِّقُهُ اللَّهُ فِي قَوْلِهِ، يَخْرُجُ مِنْ تَهَامَةٍ حِينَ تَظْهَرُ الدَّلَائِلُ وَ الْعَلَامَاتُ وَ لَهُ بِالطَّالِقَانِ كُنُوزٌ لَا ذَهَبٌ وَ لَا فِضَّةٌ إِلَّا خِيُولٌ مُطَهَّمَةٌ، وَ رِجَالٌ مُسَمَّوْمَةٌ يَجْمَعُ اللَّهُ وَ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ مِنْ أَقَاصِي عَلَى عَدَدِ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا، مَعَهُ صَحِيفَةٌ مَخْتُومَةٌ فِيهَا عَدَدُ أَصْحَابِهِ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَنْسَابِهِمْ وَ بُلْدَاتِهِمْ وَ صَنَائِعِهِمْ وَ كَلَامِهِمْ وَ كُنَاهُمْ، كِرَارُونَ، مُجَدِّونَ فِي طَاعَتِهِ.

فَقَالَ لَهُ أَبِي: وَ مَا دَلَائِلُهُ وَ عَلَامَاتُهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: لَهُ عِلْمٌ إِذَا حَانَ وَقْتُ خُرُوجِهِ انْتَشَرَ ذَلِكَ الْعِلْمُ مِنْ نَفْسِهِ، وَ أَنْطَقَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَنَادَاهُ الْعِلْمُ أَخْرُجْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ فَاقْتُلْ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَ لَسْ رَايِسَانِ وَ عَلَامَتَانِ وَ لَهُ سَيْفٌ مُعَمَّدٌ فَإِذَا حَانَ وَقْتُ خُرُوجِهِ افْتَلَعَ ذَلِكَ السَّيْفُ مِنْ غَمْدِهِ وَ أَنْطَقَهُ اللَّهُ وَ عَزَّ وَ جَلَّ فَنَادَاهُ السَّيْفُ: أَخْرُجْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ فَلَا يَحِلُّ بِكَ أَنْ تَقْعُدَ عَنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ، فَيَخْرُجُ وَ يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَيْثُ تَقِفُهُمْ، وَ يَقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يَحْكُمُ بِحُكْمِ اللَّهِ، يَخْرُجُ وَ جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهِ وَ شُعَيْبٌ وَ صَالِحٌ عَلَى مُقَدَّمِهِ، فَسَوْفَ تَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَ أَفَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَوْ بَعْدَ حِينٍ. يَا أَبِي! طُوبَى لِمَنْ لَقِيَهُ، وَ طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُ، وَ طُوبَى لِمَنْ قَالَ بِهِ، يُنَجِّيهِمُ اللَّهُ وَ مِنْ الْهَلَكَةِ بِالْإِقْرَارِ بِهِ وَ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ بِجَمِيعِ الْأُمَّةِ، يَفُتُّ لَهُمُ الْجَنَّةَ، مَثَلُهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَثَلِ الْمَشْكِ يَسْطَعُ رِيحُهُ فَلَا يَتَغَيَّرُ أَبَدًا، وَ مَثَلُهُمْ فِي السَّمَاءِ

كَمَثَلِ الْقَمَرِ الْمُنِيرِ الَّذِي لَا يَطْفَأُ نُورُهُ أَبَدًا.^۱

علی بن عاصم گوید: امام جواد(ع) از آباء بزرگوارشان(ع) از امام حسین(ع) روایت کند که فرمود: بر رسول خدا(ص) وارد شدم و اُبی بن کعب نزد ایشان بود رسول خدا فرمود:

مرحبا بر تو ای ابا عبدالله! ای زینت آسمانها و زمین... و خدای تعالی در صُلب حسن [عسکری] نطفه مبارک و پاکیزه و زکیه و طاهره و مطهره ای ترکیب فرمود که هر مؤمنی که خداوند پیمان ولایت از او گرفته است از آن خشنود است و هر منکری بدان کافر است و او امام تقی و نقی و نیکوکار و مرضی و هادی و مهدی و اوّل و آخر عدالت است، خدای تعالی را تصدیق کند و خداوند نیز سخن او را تأیید فرماید، آنگاه که دلایل و نشانه‌های آشکار شود از زمین تهامه ظهور کند و برای او در طالقان گنجهایی است نه از طلا و نقره، بلکه از اسبانی تنومند و نیکو و مردانی شناخته شده و نامدار، خدای تعالی برای او از اقصی نقاط بلاد، ۳۱۳ تن به عدد اصحاب بدر گرد آورد و به همراه او صحیفه مختومه‌ای است که در آن شماره اصحابش به نام و نسب و محل سکونت و شغل و زبان و کنیه آنان ثبت است، در جنگها حمله‌ور و در پیروی از وی کوشایند.

اُبی گوید: ای رسول خدا دلایل و نشانه‌هایش چیست؟ فرمود:

او را علم می است که چون وقت خروجش نزدیک شود خود به خود باز شده و خدای تعالی آن را گویا ساخته

و ندا می‌کند: ای ولی خدا! قیام کن و دشمنان خدا را نابود ساز، و او را دو رایت و علامت و نیز شمشیری در غلاف است و چون وقت خروجش نزدیک شود آن شمشیر از غلاف به در آمده و خدای تعالی آن را گویا ساخته و ندا می‌کند: ای ولی خدا! به در آی که دیگر روا نیست از دشمنان خدا دست برداری و او نیز خروج می‌کند و دشمنان خدا را هر جا که ببیند نابود سازد و حدود الهی را اقامه کرده و حکم خدا را جاری می‌سازد، او خروج می‌کند در حالی که جبرئیل از راست و میکائیل در سمت چپ اوست و شعیب و صالح جلودار اویند، و به زودی آنچه را که می‌گویم به یاد خواهید آورد و امرم را به خدای تعالی وا می‌گذارم اگر چه پس از مدتی باشد. ای ابی! خوشا به حال کسی که معتقد به او باشد، خداوند به واسطه اقرار به او و به رسول خدا و جمیع ائمه آنها را از هلاکت نجات بخشد و بهشت را به رویشان بگشاید، مثل آنان در زمین مثل مشک است که بوی خوشش پراکنده می‌شود و هرگز متغیر نمی‌گردد و مثل ایشان همان مثل ماه منیر است که نورش هرگز خاموش نمی‌شود.

ب - غیبت امام عصر (ع)

(۱۲)

دو غیبت

عن أبي عبد الله الحسين بن علي (ع) أنه قال: لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ - يَعْنِي الْمَهْدِيِّ (ع) - غَيْبَتَانِ: إِحْدَاهُمَا تَطُولُ حَتَّى يَقُولَ بَعْضُهُمْ: مَاتَ، وَ بَعْضُهُمْ: قُتِلَ، وَ بَعْضُهُمْ: ذَهَبَ. وَ لَا يَطَّلِعُ عَلَى مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وَلِيِّ وَ

لَا غَيْرِدَ، إِلَّا الْمَوْلَى الَّذِي تَلِي أَمْرَهُ.^۱

امام حسین (ع) فرمود:

برای صاحب این امر - یعنی حضرت مهدی (ع) - دو گونه غیبت است: یکی آن قدر به درازا می کشد که برخی گویند: او مرده است، و بعضی گویند: او کشته شده؛ گروه سومی گویند: او رفته است هیچکس از دوست و دشمن بر جای او آگاه نمی شود مگر آن دوستدار [سرکاملی] که حضرت (ع)، سرپرستی او را عهده دار گشته است.

(۱۳)

صابران عصر غیبت

عن الحسين بن علي بن أبي طالب (ع):

مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا، أَوْلَهُمْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَ آخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي، وَ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، يُحْيِي اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا، وَ يُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. لَهُ غَيْبَةٌ يَزِيدُ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَنْبُتُ فِيهَا عَلَى الدِّينِ آخِرُونَ، فَيُؤْذَنُ وَ يُقَالُ لَهُمْ: «مَتَى هَذَا الْوَعْدُ أَنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ».^۲

اما إن الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.^۳

۱ . عقد الدرر، ص ۱۳۴.

۲ . سوره يس (۳۶)، ۲۹.

۳ . کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۳: عیون اخبار الامام الزمان (ع)، ج ۱، ص ۶۸، کفایة الاثر، ص ۲۳۱، اعلام الوری، ص ۳۴۸: الثبات البتة، ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۱۳۴: وج ۳، ص ۲۰۰، ح ۱۵۲: بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۸۵، ح ۶ وج ۵۱، ص ۱۳۳، ح ۴: معجم احادیث الامام المهدي (ع)، ج ۳، ص ۱۸۴: العوالم، ج ۱۵، ص ۲۷۵، ح ۳: کنز العمال، ج ۴، ص ۱۷۷.

عبدالرحمن بن سلیط گوید: امام حسین (ع) فرمود:
 آن دوازده امام هدایت یافته، از مایند؛ اولیشان
 امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع)، و آخریشان همان
 نهمین نفر از فرزندان من است. او همان کسی است که
 حق را به پا می‌دارد، خدای سبحان به وسیله او زمین
 را پس از مرگ زنده می‌سازد و دین حق را بر همه
 ادیان، و اگر چه مشرکان را خوش نیاید پیروز می‌کند،
 او غیبتی [طولانی] دارد که در آن گروههایی از دین بر
 می‌گردند و گروههای دیگری بر دین خود پایدار
 می‌مانند و آزرده می‌شوند و به آنان [با طعنه] گفته
 می‌شود: «اگر راست می‌گویید، این وعده کی رخ
 می‌دهد؟».

آگاه باشید هر که در غیبت او بر این آزار و تکذیبهها
 صبر کند، همچون کسی است که با شمشیر خود در
 رکاب رسول خدا (ص) جهاد می‌کند.

(۱۴)

محبت اهل بیت (ع)

عن بشر بن غالب الأسدي، قال: حدثني الحسين بن علي (ع)، قال:
 قال لي يا بشر بن غالب من أحبنا لا يُحِبُّنا إلا لله، جئنا نحن و هو كَهاتين
 - و قدر بين سبابتيه - و من أحبنا لا يُحِبُّنا، فإنه إذا قام العذل و سِعَ
 عذله البر و الفاجر.^۱

بشر بن غالب اسدی می‌گوید: امام حسین (ع) به من
 چنین فرمود:

۱ . . الحسن برقی، ج ۱، ص ۱۳۴، ح ۱۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۹۰، ح ۴۴؛ معجم
 احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۱۸۱، ح ۷۰۳.

ای بشر هر کس ما [اهل بیت نبوت] را دوست بدارد و این محبت او جز برای خدا نباشد، ما و او [در روز قیامت] همچون این دو - دو انگشت سیبیه خود را به هم اندازه نمود - خواهیم بود [که بر رسول خدا ص وارد می شویم]، و هر کس ما را دوست بدارد و این محبت او جز برای دنیا [و رسیدن به اهداف دنیوی] نباشد آنگاه که پیا دارنده عدل قیام نماید عدالت او هر نیکوکار و تبهکاری را فرا می گیرد [همراه او خواهد بود].

ج - نشانه های ظهور

(۱۵)

نشانه های حتمی ظهور

عن أبي عبد الله الحسين بن عليّ (ع)، أنه قال: لِمَهْدِيٍّ حَمْسٌ عَلَامَاتٍ: السُّفْيَانِيُّ، وَ الْيَمَانِيُّ وَ الصَّيْحَةُ مِنَ السَّمَاءِ، وَ الْخَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ، وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ.^۱

امام حسین (ع) فرمود:

برای ظهور مهدی آل محمد (ص) پنج نشانه [مسلم] است: سفیانی، یمانی، صیحه آسمانی، فرورفتن در بیابان (بیداء) و کشته شدن آن جان پاک و قدسی (نفس زکیه).

(۱۶)

حادثه‌ای در کوفه

عن أبي عبد الله الحسين بن عليّ (ع)، قال: و إذا هُدمَ خَائِطُ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ، مِمَّا يَلِي دَارَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، فَعِنْدَ ذَلِكَ زَوَالَ مُلْكِ الْقَوْمِ، وَ عِنْدَ زَوَالِهِ الْمَهْدِيُّ.^۱

امام حسین (ع) فرمود:

هرگاه دیوار مسجد کوفه از آن سمت که نزدیک خانه عبدالله بن مسعود واقع شده است، ویران شد، پس در آن هنگام، سلطنت این گروه [ستمگر] از بین می‌رود و با از بین رفتن آن مهدی آل محمد (ص) ظهور می‌کند.

(۱۷)

جنگ قرقرسیا

و عن أبي عبد الله الحسين بن عليّ (ع)، أنه قال: انَّ لِلَّهِ فَائِدَةً - وَ فِي رِوَايَةٍ: مَا دُبَّتْ - بِقَرْقِيسِيَا، يَطَّلِعُ مُطَّلِعٌ مِنَ السَّمَاءِ فَيُنَادِي: يَا طَيْرَ السَّمَاءِ، وَ يَا سِبَاعَ الْأَرْضِ، هَلِّمُوا إِلَى الشَّعْبِ مِنْ حُومِ الْجَبَّارِينَ.^۲

روایت شده که امام حسین (ع) فرمود:

همانا خدا در قرقرسیا سفره‌ای - و یا طبق روایتی دیگر: ادبستانی - دارد؛ یک آگاه به احوال از آسمان ندا می‌کند: ای پرندگان آسمان، و ای درندگان زمین، بیایید و از گوشت جباران سیر شوید.

۱ . عقد الدرر، ص ۵۱.

۲ . عقد الدرر، ص ۸۷.

(۱۸)

آتشی در مشرق

عن أبي عبد الله الحسين بن عليّ (ع)، قال:
 إِذَا رَأَيْتُمْ عَلَامَةً فِي السَّمَاءِ، نَارٌ عَظِيمَةٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ، تَطْلُعُ لَيْالِي،
 فَعِنْدَهَا فَرَجُ النَّاسِ، وَ هِيَ قُدَّامُ الْمَهْدِيِّ (ع).^۱
 امام حسین (ع) فرمود:

هرگاه در آسمان، نشانه‌ای دیدید: آتش بزرگی که شبها
 از ناحیه شرق طلوع می‌کند - پس (بدانید) که در آن
 هنگام فرج (عمومی) مردم نزدیک است و این نشانه،
 پیش از ظهور مهدی (ع) رخ می‌دهد.

(۱۹)

نشانه‌هایی برای مؤمنان

قال الحسين (ع): انَّ قُدَّامَ الْقَائِمِ (ع) عَلاَمَاتٌ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ
 لِلْمُؤْمِنِينَ، وَ هِيَ قَوْلُ اللَّهِ:
 «وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ»، يَعْنِي الْمُؤْمِنِينَ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ.
 «بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ»، مِنْ مُلُوكِ بَنِي الْعَبَّاسِ فِي آخِرِ سُلْطَانِهِمْ.
 «وَ الْجُوعِ»، لِغَلَاءِ أَشْغَارِهِمْ.
 «وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ»، فَسَادُ التَّجَارَاتِ، وَ قِلَّةُ الْفَضْلِ.
 «وَ - نَقْصٍ مِنْ - الْأَنْفُسِ»، مَوْتُ ذَرِيَعِهِ.
 «وَ - نَقْصٍ مِنْ - الثَّمَرَاتِ»، قِلَّةُ زَكَاءِ مَا يَزْرَعُ.
 «وَ بَشَرِ الصَّابِرِينَ»^۲، عِنْدَ ذَلِكَ يَتَعَجَّلُ خُرُوجُ الْقَائِمِ.^۳

۱ . عقد الدرر، صص ۱۰۶.

۲ . سورة بقره (۲)، آیه ۱۵۵.

امام حسین (ع) فرمود:

پیش از ظهور قائم آل محمد (ص)، قطعاً نشانه‌ها [بی
از جانب خدا] برای اهل ایمان رخ می‌دهد که در
ضمن این آیه شریفه به آنها اشاره شده است:
«و ما به یقین شما را با چیزهایی می‌آزماییم»: یعنی
مؤمنان پیش از خروج قائم؛
«با ترس» از پادشاهان بنی عباس در پایان سلطنتشان.
«با گرسنگی» که از بالا رفتن قیمت‌ها ظاهر می‌شود.
با «نقصان اموال» که به صورت فساد [و تباهی در]
تجارات، و کمی بهره‌ها رخ می‌دهد.
با «نقصان جانها» که با مرگهای ناگهانی و فراگیر جلوه
می‌کند.
با «نقصان محصولات زراعی» که از راه کاهش رشد
کشته‌ها پدید می‌آید.
«و صابران را» در آن روز به نزدیک بودن ظهور قائم آل
محمد (ص) «بشارت ده».

(۲۰)

تسکین بخش دل حسین (ع)

عن علی بن الحسین (ع) قال: خرجنا مع الحسين (ع) فما نزل منزلاً
ولا ارتحل منه الا ارتحل منه الا ذكر يحيى بن زكريا و قتله و قال يوماً:
وَ مِنْ هَوَانِ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ أَنْ رَأَسَ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا أُهْدِيَ إِلَى بَغْيٍ مِنْ
بَغَايَا بَنِي إِسْرَائِيلَ .

و عن مقاتل: عن زين العابدين عن أبيه (ع) قال: انَّ امْرَأَةً مَلَكَ

بَنِي إِسْرَائِيلَ كَبُرَتْ أَنْ تُزَوَّجَ بِنْتَهَا مِنْهُ لِأَمَلِكِ، فَاسْتَشَارَ الْمَلِكُ
يَحْيَى بْنَ زَكْرِيَّا فَهَاتَا عَنْ ذَلِكَ، فَعَرَفَتِ الْمَرْأَةُ ذَلِكَ وَزَيَّنَتْ بِنْتَهَا وَ
بَعَثَتْهَا إِلَى الْمَلِكِ فَذَهَبَتْ وَ لَعِبَتْ بَيْنَ يَدَيْهِ، فَقَالَ لَهَا الْمَلِكُ: مَا
حاجتك؟

قَالَتْ: رَأْسَ يَحْيَى بْنِ زَكْرِيَّا.

فَقَالَ الْمَلِكُ: يَا بِنْتِةَ حَاجَةٌ غَيْرَ هَذِهِ.

قَالَتْ: مَا أُرِيدُ غَيْرَهُ، وَكَانَ الْمَلِكُ إِذَا كَذَبَ فِيهِمْ عَزَلَ مِنْ مُلْكِهِ،
فَخُيَّرَ بَيْنَ مُلْكِهِ وَ بَيْنَ قَتْلِ يَحْيَى فَقَتَلَهُ، ثُمَّ بَعَثَ بِرَأْسِهِ إِلَيْهَا فِي طَشْتٍ
مِنْ ذَهَبٍ، فَأَمَرَتْ الْأَرْضَ فَأَخَذَتْهَا، وَسَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ بُخْتًا نُصَرَ
فَجَعَلَ يَرْمِي عَلَيْهِمُ بِالْمَنَاجِيقِ وَ لَا تَعْمَلُ شَيْئًا، فَخَرَجَتْ عَلَيْهِ عَجُوزٌ مِنْ
الْمَدِينَةِ فَقَالَتْ: أَيُّهَا الْمَلِكُ إِنْ هَذِهِ مَدِينَةُ الْأَنْبِيَاءِ لَا تَنْفَتِحْ إِلَّا بِمَا أَدْلَكَ
عَلَيْهِ.

قَالَ: لَكَ مَا سَأَلْتُ.

قَالَتْ: أَرْمَهَا بِالخَبْثِ وَ الْعَذْرَةَ، فَفَعَلَ فَتَقَطَّعَتْ فَدَخَلَهَا فَقَالَ: عَلِيٌّ
بِالْعَجُوزِ، فَقَالَ لَهَا: مَا حَاجَتُكَ؟ قَالَتْ: فِي الْمَدِينَةِ دَمٌ يَغْلِي فَاقْتُلْ عَلَيْهِ
حَتَّى يَسْكُنَ، فَقَتَلَ عَلَيْهِ سَبْعِينَ أَلْفًا حَتَّى سَكَنَ.

يَا وَلَدِي يَا عَلِيُّ وَاللَّهِ لَا يَسْكُنُ دَمِي حَتَّى يُبْعَثَ الْمُهْدِيُّ فَيَقْتُلَ عَلِيٌّ
دَمِي مِنَ الْمُنَافِقِينَ الْفَسَقَةَ سَبْعِينَ أَلْفًا.^۱

امام سجّاد(ع) فرمود: امام حسين(ع) به هيچ منزلی
فرود نیامد و کوچ نکرد مگر آنکه از يحيی بن زكريا و
كشفتن او ياد فرمود. روزی فرمود:

از پستی دنیا نزد خدا همین بس که سر بریده يحيی بن
زكريا را برای یکی از روسپیان بنی اسرائيل به ارمغان
بردند!

مقاتل، از امام سجّاد(ع) از امام حسين(ع) نقل کرده

۱. مناقب ابن شيرازي، ج ۴، ص ۸۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۹۹، ح ۱۰؛
توابع، ج ۱۷، ص ۶۰۸، ح ۳؛ معجم احاديث الامام المهدي، ج ۳، ص ۱۸۲، ح
۷۰۵.

که فرمود:

زن پادشاه بنی اسرائیل سالمند شده بود، خواست که دختری از او را به ازدواج درآورد. پادشاه با یحیی بن زکریا مشورت کرد و یحیی او را از این کار منع کرد. آن زن چون فهمید، دختر خود را آراست و نزد پادشاه فرستاد. او نزد پادشاه به رقص و کرشمه پرداخت [تا دل او را ربود]. پادشاه گفت: چه می خواهی؟

دختر گفت: سر یحیی بن زکریا را. پادشاه گفت: دخترم چیز دیگری بخواه.

دختر گفت: جز این نخواهم.

در آن زمان رسم بر این بود که اگر پادشاهی دروغ می گفت، از شاهی عزل می شد. از این رو او میان پادشاهی و کشتن یحیی مردّد ماند و [سرانجام] یحیی را کشت و سر او را در طشت طلائی نزد دختر فرستاد. پس زمین فرمان یافت و آن را گرفت. و خدا بخت نصر را بر بنی اسرائیل مسلط کرد که با منجیق آنان را می کوبید ولی اثر نمی کرد. پیرزنی از شهر بیرون آمد و گفت: پادشاهها! این شهر پیامبران است که جز با آنچه می گویم فتح نخواهد شد. بخت نصر گفت: هر چه بخواهی به تو می دهم [اینک بگو چه کنم؟].

گفت: با ناپاکی و نجاست آنان را بکوب. پس چنان کرد و شهر از هم گسیخت. وارد شهر شد. گفت: آن پیرزن را نزد من آورید. چون آمد به او گفت: چه می خواهی؟ گفت: در این شهر خونی است که می جوشد. آن قدر خون بر آن بریز تا از جوشش بیفتد. پس بخت نصر هفتاد هزار نفر را در انتقام آن خون کشت تا آرام گرفت. فرزندم علی جان! به خدا سوگند خون من از جوشش نخواهد افتاد تا (خدا) مهدی (ع) را برانگیزد و او انتقام خونم را از هفتاد هزار منافق کافر فاسق بستاند.

(۲۱) کشتار بنی امیه

مرّ الحسین (ع) علی حلقة من بنی امیه و هم جلوس فی مسجد الرسول (ص) فقال (ع):

أَمَا وَاللَّهِ لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ مِنِّي رَجُلًا يَقْتُلُ مِنْكُمْ أَلْفًا،
وَ مَعَ أَلْفِ أَلْفًا وَ مَعَ أَلْفِ أَلْفًا.

فقلت: جعلت فداک أن هؤلاء أولاد کذا و کذا لا يبلغون هذا.
فقال: وَ يَحْکُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ يَكُونُ الرَّجُلُ مِنْ صُلْبِهِ كَذَا وَ كَذَا
رَجُلًا، وَ إِنْ مَوَى الْقَوْمِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ.^۱

عبداللہ بن شریک در ضمن حدیثی طولانی نقل می کند که امام حسین (ع) بر گروهی دیگر از بنی امیه که در مسجد پیامبر (ص) دور هم نشسته بودند گذر نمود، [اغلب در چنین مواقعی از اهل بیت پیامبر ص بد می گفتند] حضرت (ع) فرمود:

آگاه باشید، به خدا سوگند، دنیا پایان نمی پذیرد مگر خدا از نسل من، مردی را برانگیزد که از شما [بنی امیه] هزار نفر را به هلاکت رساند و با آن هزار، هزار نفر دیگر را هم، و با آن هزار، هزار نفر دیگر را نیز.

عرض کردم: فدایت شوم، کل فرزندان آنها بر روی هم به این تعداد نمی رسد.
فرمود:

وای بر تو، در آن زمان از نسل هر مردی [از اینان] چنان و چندان مرد پدید می آید، سرور این قوم هم از خودشان است.

۱ . الغیة للطوسی، ص ۱۱۶: اثبات النبوة، ج ۷، ص ۱۳، ح ۳۰۹: بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۴، ح ۷: معجم أحادیث الإمام المهدی (ع)، ج ۳، ص ۱۸۳، ح ۷۰۷.

(۲۲)

انتقام از ستمکاران و بسط عدل

عن أبي جعفر (ع) في حديث: انّ الحسين (ع) قال: يُظْهِرُ اللَّهُ قَائِمَنَا
فَيَسْتَقِيمُ مِنَ الظَّالِمِينَ.

فَقِيلَ لَهُ: يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ، مَنْ قَائِمُكُمْ؟

قال: السَّابِعُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ هُوَ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ
عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِي، وَ هُوَ
الَّذِي يَغِيبُ مُدَّةً طَوِيلَةً ثُمَّ يَظْهَرُ وَ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتَنَتْ
جَوْرًا وَ ظُلْمًا.^۱

امام حسین (ع) فرمود:

خدا قائم ما [آل محمد (ص)] را آشکار می کند تا از
ستمکاران انتقام بگیرد.

عرض شد: ای فرزندان رسول خدا (ع)! قائم شما
کیست؟

فرمود:

هفتمین از فرزندان پسر محمد بن علی (ع)، او حجة بن
الحسن بن علی ابن محمد بن علی موسی بن جعفر بن
محمد بن علی فرزندان من باشد، و او همان کسی است
که زمانی طولانی غایب می شود، سپس ظهور می کند و
زمین را پر از عدل و داد می سازد، همان سان که از
ظلم و جور پر شده باشد.

۱. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۳۸، ح ۶۸۱: معجم أحاديث الامام المهدي (ع)، ج ۳، ص ۱۸۱، ح ۷۰۴.

(۲۳)

سخت‌گیری بر ستم‌پیشگان

عن بشر بن غالب الأسدي، قال: قال: لي الحسين بن علي (ع):
يا بشرُ ما بقاء قريشٍ إذا قَدَّمَ القائمُ المَهديُّ مِنْهُمْ خَمْسَائَةَ رَجُلٍ
فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْرًا، ثُمَّ قَدَّمَ خَمْسَائَةَ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْرًا، ثُمَّ
خَمْسَائَةَ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ صَبْرًا.

قال فقلت له: أصلحك الله أيلغون ذلك؟

فقال الحسين بن علي (ع): انَّ مَوْلَى الْقَوْمِ مِنْهُمْ.

قال: فقال لي بشر بن غالب اخو بشر بن غالب اشهد أن
الحسين بن علي (ع) عدّ على أخي سِتَّ عَدَّاتٍ.^۱

بشر بن غالب اسدی گوید: امام حسین (ع) به من
فرمود:

ای بشر، ماندن قریش چه معنی دارد آنگاه که آن قائم
[آل محمد (ص)] پانصد مرد آنان را احضار کند پس
نگهدارد تا گردن همه را بزند، سپس پانصد نفر دیگر
را، سپس پانصد نفر دیگر را؟

عرض کردم: خدا آمر شما را سامان بخشد، آیا
اینان به آن زمان می‌رسند؟

فرمود:

سرپرست قوم، از آنان است.

بشیر برادر بشر گوید: من شهادت می‌دهم که امام
حسین (ع) [در نقل این حدیث] برای برادرم شش بار
شمرده [نه سه بار].

۱. الغيبة نعماني، ص ۲۳۵، ح ۲۳: تنبیهات الهداة، ج ۷، ص ۷۹، ح ۵۰۶؛
بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۹، ح ۱۰۰؛ معجم أحاديث الامام المهدي (ع)، ج ۳،
ص ۱۸۳، ح ۷۰۶.

(۲۴)

مدت جنگهای حضرت مهدی (ع)

عن عیسیٰ الخشاب، قال: قلت للحسین بن علیّ (ع): أنت صاحب هذا الأمر؟

قال (ع): لا، ولكن صاحب هذا الأمر الطريد الشريد الموثور بأبيه، المكنى، بعته يضع سيفه على عاتقه ثمانية أشهر^۱.

شیخ صدوق (ره) با سند خود از عیسیٰ خشاب نقل می‌کند که گفت: به امام حسین (ع) عرض کردم: آیا صاحب الامر شما هستید؟

فرمود:

نه، بلکه صاحب الامر، آن دورافتاده [به آخر دورانها] فراری [از انبوه نااملان امت] است که انتقام خون پدر او گرفته نشده و پنهان شده از دست عمومی خویش است. و [آنگاه که ظهور کند] شمشیر [پیکار با ستم پیشگان] را هشت ماه بر شانه خود می‌نهد.

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸، ح ۵: اثبات الهداة، ج ۶، ص ۳۹۸، ح ۱۲۳؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۳، ح ۶: معجم احادیث الامام مهدی (ع)، ج ۳، ص ۱۸۰، ح ۷۰۲.

د - ظهور صاحب الامر عليه السلام

(٢٥)

قطعی بودن ظهور

عن عبد الله بن عمر قال: سمعت الحسين بن علي^(ع) يقول: لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ، لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي، فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلَّتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا، كَذَلِكَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ.^١

عبدالله بن عمر گوید: از حسین بن علی^(ع) شنیدم

می فرمود:

اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدای سبحان آن روز را [بلند و] دراز می کند، تا مردی از فرزندان من ظهور کند، پس زمین را پر از عدل و داد می سازد، همان گونه که پر از ظلم و جور، گشته است. من این سخن را این گونه از رسول خدا^(ص) شنیدم.

(٢٦)

عاشورا روز ظهور

عَنْ ابُو بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع): يَخْرُجُ الْقَائِمُ (ع) يَوْمَ السَّبْتِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ.^٢

ابوبصیر گوید: امام باقر^(ع) فرمود: قائم^(ع) در روز

١ . کمال الدین، ج ١، ص ٣١٧، ح ٤: بحار الانوار، ج ٥١، ص ١٣٣، ح ٥.

٢ . کمال الدین، ج ٢، ص ٥٦١.

شنبه‌ای^۱ که مصادف با عاشورا است ظهور کند همان روزی که حسین (ع) در آن به شهادت رسید.

(۲۷)

ظهور در چهره جوانی رشید

عن أبي عبد الله الحسين بن علي (ع)، أنه قال: لو قام المهدي لأنكره الناس؛ لأنه يرجع إليهم شاباً موقفاً، وإن من أعظم البليّة أن يخرج إليهم صاحبهم شاباً، وهم يحسبونه شيخاً كبيراً^۲.

امام حسین (ع) فرمود:

اگر مهدی آل محمد (ص) قیام کند، مردم او را شناسند، زیرا او به سوی آنان می‌آید در حالی که جوانی رشید است و از بزرگترین آزمون‌ها این است که صاحب مردم [امام زمان] جوان ظهور می‌کند در حالی که آنان می‌پندارند او پیرمرد کهنسالی است.

(۲۸)

ظهور با شمشیر

عن أبي عبد الله الحسين بن علي (ع)، أنه قال: إذا خرج المهدي (ع)، لم يكن بينه وبين العرب وقریش إلا السيف، وما يستعجلون بخروج المهدي! والله ما لباسه إلا الغليظ، ولا طعامه إلا

۱. البته قول مشهور، محکم و قابل اعتماد همان جمعه می‌باشد و احتمالاً در

نقل راوی اشتباهی رخ داده است. رک: السادة، مجتبی، شش ماه پیاپی.

ترجمه محمود مطهری نیا، ص ۱۶۵ (پاورقی ۱).

۲. عقد الدرر، ص ۴۱: اثبات النبوة، ج ۷، ص ۲۱۵، ح ۱۱۹.

الشَّعِيرُ، وَ مَا هُوَ إِلَّا السَّيْفُ، وَ الْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ.^۱

امام حسین (ع) فرمود:

هرگاه مهدی آل محمد (ص) ظهور کند، میان او، و عرب و قریش، چیزی جز شمشیر نخواهد بود، و چرا در ظهور مهدی (ع) شتاب می‌کند؟ به خدا سوگند پوشاک او جز لباس درشت و خوراک او جز [ناچیزی همانند] جو نیست، و ظهور او جز شمشیر [قاطع خداوند] و مرگ در سایه شمشیر نیست.

(۲۹)

سامان یک شبه همه امور

عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه محمد بن علي، عن أبيه علي بن الحسين (ع)، قال: قال الحسين بن علي (ع): فِي التَّاسِعِ مِنْ وُلْدِي سُنَّةٌ مِنْ يَوْسُفَ وَ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ (ع)، وَ هُوَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، يُصْلِحُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ.^۲

مرحوم صدوق با سند خود، از امام حسین (ع) نقل می‌کند که فرمود:

در نهمین فرزند من، سنتی از یوسف (ع) و سنتی از موسی بن عمران (ع) وجود دارد و او قائم ما اهل بیت [نبوت] است که خدای متعال، امر او را در یک شب اصلاح می‌کند.

۱ . عقد الدرر، ص ۲۲۸.

۲ . کمال الدین ج ۱، ص ۳۱۷ حدیث ۱: کشف الغمّة ج ۳، ص ۳۱۲: ثبوت الیّدات، ج ۶، ص ۳۹۷: ح ۱۲۰: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲، ح ۲: معجم احادیث المهدی (ع) ج ۳، ص ۱۷۹، ح ۷۰۱.

(۳۰)

همه خیرها در زمان مهدی (ع)

عن عميرة بنت نفيل، قالت: سمعت الحسين بن علي (ع) يقول: لا يكون الأمر الذي تنتظرونه حتى يبرأ بعضكم من بعض، و يتفعل بعضكم في وجود بعض، و يشهد بعضكم على بعض بالكفر، و يلعن بعضكم بعضاً.

فقلت له: ما في الزمان من خير؟

فقال الحسين (ع): الخَيْرُ كُلُّهُ في ذلك الزمان، يقوم قائمنا، و يدفع ذلك كله.^۱

عمیرد دختر نفیل گوید: از حسین بن علی (ع) شنیدم می فرمود:

آن امر (فرج) که انتظارش را می کشید رخ نخواهد داد مگر اینکه در اثر آشفتگی و نابسامانی، دسته ای از شما از دسته دیگر برائت جوید و برخی از شما بر چهره برخی دیگر خدو (تُف) بیفکنند و گروهی از شما به کفر گروه دیگر شهادت دهد و بعضی از شما بعض دیگر را لعن فرستد.

عمیرد گوید: عرض کردم: [پس] در آن زمان هیچ خیری نیست؟!

فرمود:

همه خیرها در آن زمان جمع است، قائم ما [آل محمد (ص)] قیام می کند و همه آن بدیها را برطرف می سازد.

۱. الغيبة نعماني، ص ۲۰۵، ح ۹: عقد الدرر، ص ۶۳.

(۳۱)

بی نیازی مردم در عصر او

عن الحسين بن عليّ (ع) أنّه قال: تَوَاصَلُوا وَ تَبَارَّوْا، فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسْمَةَ، لِيَأْتِيَنَّ عَلَيْكُمْ وَقْتُ لَا يَجِدُ أَحَدُكُمْ لِدِينَارِهِ وَ لَا لِدِرْهَمِهِ مَوْضِعاً. [یعنی لا یجد عند ظهور المهدي موضعاً یصرفه فيه؛ لاستغناء الناس جميعاً بفضل الله تعالى، و فضل وليه المهدي (ع)].^۱
امام حسین (ع) فرمود:

با یکدیگر رابطه برقرار کنید و به همدیگر احسان کنید، سوگند به آن خدایی که دانه را شکافت، و جانداران را آفرید، بر شما آن چنان روزی [از بی نیازی فردی و عمومی] فراخواهد رسید که در آن هیچ کس برای پرداخت دینار و درهم (انفاقی) خود، جایی [و کسی] را پیدا نمی کند.

[یعنی زمان ظهور حضرت مهدی (ع) به جهت بی نیازی همه مردم از همدیگر جایی برای مصرف آن نمی یابد و این به فضل خدا و ولیش حضرت حجت علیه السلام است.]

(۳۲)

مدت حکومت او

عن أبي عبد الله الحسين بن عليّ (ع)، قال: يَمْلِكُ الْمَهْدِيُّ (ع) تِسْعَةَ عَشَرَ سَنَةً وَ أَشْهُراً.^۲

۱ . عقد الدرر، ص ۱۷۱.

۲ . عقد الدرر، ص ۲۳۹.

بخش دوم

حسین مهدی علیهما السلام

امام حسین علیه السلام در بیان حضرت مهدی علیه السلام^۱

(۳۳)

راز نهفته کهیصص

...فقلت اخبرنی عن تأویل کهیصص.

قال (ع) هذه الحروف من انباء الغيب اطلع الله عليها عبده زكريا ثم قصها على محمد (ص) و ذلك ان زكريا (ع) سأل ربه ان يعلمه الاسماء الخمسة فاهبط عليه جبرئيل فعلمه اياها فكان زكريا اذا ذكر محمداً و علياً و فاطمة و الحسن سرى عنه همسه و انجلى كربيه و اذا ذكر اسم الحسين (ع) خنقته العبرة و وقعت عليه البهرة فقال ذات يوم: الهى ما بالى اذا ذكرت اربعا منهم تسليت باسمايم من هومي و اذا ذكرت الحسين (ع) تدمع عيني و تتور زفرتي فانبأ الله تبارك و تعالى عن قصته فقال كهيصص.

فالكاف اسم «كربلاء» و الهاء «هلاک» و الياء «يزيد» و هو ظالم الحسين و العين «عطشه» و الصاد «صبره»

۱. تفصیل مطالب این بخش چیزی جز سوز حضرت مهدی (ع) در اندوه شهادت سیدالشهداء (ع) در قالب زیارت ناحیه مقدسه نیست و از آنجا که در دیباچه گزیده‌ای از زیارت پر آه و سوز را آوردیم، در اینجا به نقل همین مقدار اکتفا می‌کنیم.

فَلَمَّا سَمِعَ بِذَلِكَ زَكَرِيَّا (ع) لَمْ يُفَارِقْ مَسْجِدَهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ مَنَعَ فِيهِنَ النَّاسَ مِنَ الدَّخُولِ عَلَيْهِ وَاقْتَلَ عَلَى الْبُكَاءِ وَ التَّحِيْبِ وَ كَانَ يُرْتِيهِ:

إِلَهِي أَتُفْجِعُ خَيْرَ جَمِيعِ خَلْقِكَ بَوْلَدِهِ؟

إِلَهِي أَتُنزِلُ بَلْوَى هَذِهِ الرِّزْيَةِ بِفَنَائِهِ؟

إِلَهِي أَتَلْبَسُ عَلِيًّا وَ فَاظِمَةَ ثَوْبِ هَذِهِ الْمُصِيبَةِ؟

إِلَهِي تَحِلُّ كُرْبَةُ هَذِهِ الْمُصِيبَةِ بِسَاحَتَيْهَا؟

ثُمَّ كَانَ يَقُولُ إِلَهِي أَرْزُقْنِي وَلِداً تَقْرُبُهُ عَيْنِي عَلَى الْكِبَرِ فَإِذَا رَزَقْتَنِيهِ فَاقْتَنِي بِحُبِّهِ ثُمَّ أَفْجِعْنِي بِهِ كَمَا تُفْجِعُ مُحَمَّدًا حَبِيبَكَ بَوْلَدِهِ.

فرزقه الله يحيى و فجعته به و كان حمل يحيى ستة أشهر و حمل

الحسين كذلك ...^۱

احمد بن اسحاق پس از مناظره‌ای که با یکی از دشمنان اهل بیت (ع) داشت و وقتی می‌بینید از مجاب کردن او ناتوان است، به خدمت امام عسکری (ع) می‌رسد تا جوابها را از ایشان بپرسد. آن حضرت هم او و سعد بن عبدالله اشعری را که به همراهش بود به فرزندان بزرگوارشان ارجاع می‌دهند. از جمله سؤالات آنها از حضرت مهدی (ع) این سؤال است که:

از تأویل که بعضی مرا مطلع فرمائید. امام عصر (ع)

در جواب فرمودند:

این حروف از اخبار غیبیه است که خداوند زکریا را از آن مطلع نمود؛ سپس داستان را برای حضرت محمد (ص) بیان فرمود و خلاصه ماجرا این است که زکریا از خداوند درخواست نمود که اسامی پنج تن را به او یاد دهد و جبرئیل فرود آمده، اسامی پنجگانه را به ایشان تعلیم نمود. هر زمان که زکریا نامهای محمد، علی، فاطمه و حسن (ع) را می‌برد، شاد می‌شد، ولی

آنگاه که نام مقدّس امام حسین (ع) را می‌برد دلش شکسته و اشکش جاری می‌گشت. روزی گفت: خدایا! مرا چه می‌شود که هرگاه نام چهارتن بالا را می‌برم دلم تسلی می‌یابد و هرگاه نام مبارک حسین (ع) را می‌برم اشکم جاری می‌شود و نفسم در سینه گره می‌خورد؟ خداوند از حادثهٔ مربوط به امام حسین (ع) بدین‌گونه خبر داد که کهی‌عص.

امام عصر - ارواحنا فداد - در ادامه فرمودند که: «کاف» اسم کربلا و «هائ» اشاره به شهادت و هلاکت عترت طاهره (خاندان مکرم حضرت رسالت) است؛ «یاء» اشاره به یزید است که بر حسین (ع) ظلم نمود؛ «عین» اشاره به عطش و تشنگی حسین (ع) [او یاران عزیز او] است و «ص» اشاره به صبر آن حضرت است [در مقابل مصایب و شداید].

زکریا (ع) وقتی این را بشنید در مسجد خویش سه روز اعتکاف نمود و از معاشرت با مردم خودداری کرد و پیوسته گریه و زاری نمود و مرثیه‌سرایی می‌کرد که: بار خدایا! آیا بهترین بندگان و مخلوقات را به مرگ فرزندش [با این کیفیت] مبتلا می‌کنی؟

بارالها! آیا این بلیه را با شهادت حسین (ع) بر حبیب خاتم انبیاء نازل می‌فرمایی؟ خداوند! آیا بر علی و فاطمه لباس این مصیبت را می‌پوشانی؟

پروردگارا! آیا آثار این مصیبت بزرگ را در چهرهٔ علی و فاطمه ظاهر می‌سازی؟

آنگاه زکریا عرض کرد: خداوند! به من نیز فرزندی عنایت فرما و او را در پیری مایهٔ روشنائی چشمم قرار ده و مرا به وسیلهٔ او امتحان فرما و در مرگ او دل مرا

بسوزان، چنان که خاتم انبیا را به مصیبت فرزندش مبتلا می‌کنی. خداوند به او یحیی را مرحمت فرمود که شهیدش کردند و مدت حمل او نیز مانند امام حسین(ع) شش ماه بود.^۱

(۳۴)

شرافت خاک پای سیدالشهدا(ع)

و سأل عن طین القبر: یوضع مع المیت فی حل یجوز ذلک أم لا؟
فأجاب: یوضع مع المیت فی وَ یُخَالَطُ بِحُیُوطِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.
و سأل فقال: روی لنا عن الصادق(ع): أَنَّهُ كَتَبَ عَلَى أَرَارِ ابْنِهِ
إِسْمَاعِيلَ یَشْهَدُ: أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَهَلْ یَجُوزُ أَنْ نَكْتُبَ مِثْلَ ذَلِكَ بِطینِ
القَبْرِ أمْ غَیْرُهُ؟
فأجاب: یَجُوزُ ذَلِکَ.

و سأل: هل یجوز أن یسبح الرجل بطین القبر، و هل فیه فضل؟
فأجاب: یُسَبِّحُ الرَّجُلُ بِهِ فَمَا مِنْ شَیْءٍ مِنَ السُّبْحِ أَفْضَلُ مِنْهُ، وَ مِنْ
فَضْلِهِ أَنَّ الرَّجُلَ یَنْسِی السُّبْحِ وَ یُدِیرُ السُّبْحَةَ فِی کُتُبِ لَهُ السُّبْحِ.
و سأل: عن السجدة علی لوح من طین القبر، و هل فیه فضل؟
فأجاب: یَجُوزُ ذَلِکَ وَ فِیهِ الْفَضْلُ.^۲

و [سائل] از خاک تربت قبر مطهر [حضرت
اباعبدالله(ع)] پرسید: که آیا مجاز است آن را با مرده
در قبرش قرار دهند؟
حضرت پاسخ دادند:

با مرده در قبرش قرار داده شود و اگر خدا بخواهد
ضمیمه به بندهایش شود.

۱. تفصیل جریان شهادت حضرت یحیی علیه السلام را پیش از این در بیانات
سیدالشهداء علیه السلام خواندیم.

۲. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۸۹.

و باز پرسید که: از حضرت صادق (ع) برای ما روایت شده است که: برکفن فرزندان نوشتند: همانا اسماعیل شهادت می‌دهد که معبودی جز الله وجود ندارد، آیا مجاز است که ما آنرا با خاک تربت قبر [مطهر امام حسین (ع)] یا با غیر آن بنویسیم؟

پس حضرتش پاسخ فرمود:

آری این کار مجاز است.

و باز پرسید: آیا بر مرد مجاز است که با [تسبیح] از خاک تربت قبر [مطهر] تسبیح بفرستد و آیا در این کار فضیلتی وجود دارد؟

پس حضرتش پاسخ فرمود:

مرد با آن تسبیح بفرستد و هیچ تسبیحی برتر از آن نیست و از فضیلت این‌گونه تسبیحها اینست که اگر فرد گفتن ذکر و سبحان الله را فراموش کند و تنها تسبیح را [در دستش] بگرداند برایش [ثواب] ذکر و سبحان الله گفتن نوشته می‌شود.

و باز پرسید: آیا سجده بر روی مهر از خاک تربت قبر [مطهر سیدالشهدا (ع)] جایز است و آیا در این کار فضیلتی وجود دارد؟

پس حضرتش پاسخ فرمود:

این کار جایز است و در این عمل فضیلت و برتری وجود دارد.

(۳۵)

درمان با تربت امام حسین (ع)

عن المهدی (ع):

من كتب هذا الدعاء في إناء جديد، بتربة الحسين (ع) و غسّله و

شربه، شفي من علته:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ دَوَاءٌ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ شِفَاءٌ،
وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كِفَاءً، هُوَ الشَّافِي وَ هُوَ الْكَافِي كِفَاءً، إِذْهَبِ الْبَاسَ
يَرْبِّ النَّاسِ شِفَاءً، لَا يُغَادِرُ سَقَمٌ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
النُّجْبَاءِ.^۱

شیخ ابراهیم کفعمی در کتاب بلد الامین گفته است:
از حضرت مهدی (ص) روایت شده است که:

هر کس این دعا را در ظرف تازه‌ای با تربت
سیدالشهداء (ع) بنویسد و آنرا بشوید و بنوشد، از
مرض شفا می‌یابد:

به نام آنکه همه در او شیدایند، بخشنده بخشایشگر.
به نام آنکه همه در او شیدایند، دوا است، و ستایش
برای آنکه همه در او شیدایند، شفا و راحتی است. و
نیست الهی جز آنکه همه در او شیدایند، [ذکر
لا اله الا الله او] کاملاً [و برای همه چیز] کفایت می‌کند،
او شفا دهنده است. و او کفایت کننده است. سختی را
به پروردگار مردمان به شفا ببر که مریضی را نگاه ندارد
و صلوات و توجه خداوند بر محمد و خاندان نجیبان
او باد.

و به خط سیدزین الدین علی بن حسین حسینی این دعا را به مردی نسبت داده است که در حائر کربلا مجاورد بوده و در حالی که به مرضی مبتلا بود، و به واسطه آن مرض به حضرت مهدی (ع) - که خداوند فرجش را بزودی برساند - شکایت برد. حضرت هم او را به نوشتن این دعا بر ظرفی و شستن و آشامیدن آن فرمان داد. او هم این عمل را انجام داد و از آن حالت شفا یافت.

(۳۶)

اولین رجعت کننده

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ:

إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَرْجِعُ لِمَارِكَمِ الْحُسَيْنِ (ع) فَيَمْلِكُ حَتَّى نَفْعَ حَاجِبَاءِ عَلِيٍّ عَيْنِيهِ مِنَ الْكِبَرِ.^۱

امام پنجم (ع) فرمودند:

نخستین کسی که به دنیا رجعت می کند حسین (ع) است؛ به قدری حکومت می کند که از کثرت سن ابروهایش روی دیدگانش می ریزد.

(۳۷)

رجعت سیدالشهداء(ع) به همراه یاران

قال ابو عبدالله(ع): وَ أَوَّلَ مَنْ يَنْفُضُ عَنْ رَأْسِهِ التُّرَابَ
الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ(ع) فِي خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا.^۱
امام صادق(ع) در تفسیر آیه ۶ سوره نازعات^۲
فرمودند:

نخستین کسی که سر از خاک تیره برمی دارد حسین بن
علی(ع) است که با هفتاد و پنج هزار نفر به دنیا باز
می‌گردد.

(۳۸)

بازگشتی برای انتقام

قال ابو عبدالله(ع) إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَكْرَهُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ
أَصْحَابِهِ وَ يَزِيدُ بْنُ مَعَاوِيَةَ وَ أَصْحَابِهِ، فَيَقْتُلُهُمْ حَذْرَ الْقُدَّةِ يَا لِقُدَّةِ.^۳
امام صادق(ع):

اولین کسی که به دنیا باز می‌گردد حسین بن علی(ع)
است که با اصحابش رجعت می‌کند و یزید بن معاویه با
اصحابش برمی‌گردد. آنگاه امام حسین(ع) همه آنها را
می‌کشد و برای هر ضربتی یک ضربت می‌زند.

۱ . بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۶، ح ۱۳۴.

۲ . يوم ترجف الراجفة.

۳ . تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۸، ح ۹.

(۳۹)

غسل و دفن حضرت مهدی (ع)

عن ابی عبدالله: جاء الحجة الموت فيكون الذي يغسله و يكفنه و يحنطه و يلحده في حضرت الحسين و لايلي الوصي، الا الوصي^۱.
امام صادق عليه السلام فرمودند:
هنگامی که اجل حضرت مهدی (ع) فرا می رسد و دیده از جهان فرو می بندد، آنگاه امام حسین (ع) آن حضرت را غسل و کفن و حنوط می کند و به خاک می سپارد که هرگز امام را جز امام غسل نمی دهد.

(۴۰)

همراهی در خوانخواهی

فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَ أَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ
ثَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ (ص)^۲.
پس از خدایی که مقامی را گرامی داشت و مرا به تو
گرامت بخشید درخواست می کنم خونخواهی تو را همراه
با امام و پیشوای پیروزمند در خاندان حضرت محمد (ص)
روزی من کند.

۱ . بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۴، ح ۱۰۲: تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۷، ح ۷.

۲ . مفاتیح الجنان، زیارت امام حسین (ع) در روز عاشورا.

